

## گفتگو با یکی از کارگران شرکت ایران نیدل (۲۰ کیلومتری رشت)

الهام شریفی

پنجم آذرماه هشتاد و پنج

### این شرکت چه چیزی را تولید می کند؟

نیدل به معنی سر سوزن است. این شرکت تولید کننده آمپولهای يك بار مصرف است. در سالهای ۶۷/۶۸ تاسیس شد و در ۷۴ به بهره برداری رسید.

این شرکت شامل چند بخش زنجیره ای است. در ابتدای سالن فلز کاری (کاتولا) بکار افتاد و بخش دیگر پلاستیکها بود. در ابتدا از چهار دستگاه تنها دو دستگاه ان راه اندازی شد. قسمت مونتاژ سر سوزن و قسمت پلاستیک سازی. بعد ها بخش استریل و بسته بندی هم به ان اضافه شد. بخش کارتون بندی را اکثرا زنان انجام می دهند و از آنجا به انبار منتقل می شود و در شهر های مختلف توزیع می گردد. این شرکت کلا در رابطه با ابزارآلات پزشکی ست. ۱۸ تا ۲۰ شرکت در شهر های دیگر را نیز تحت پوشش دارد. از جمله در تهران شرکت البرز و رشت ، قزوین، آبادان و حتی خاورمیانه را هم را پوشش می دهد.

### استخدام در این شرکت چگونه است؟

مدیریت این شرکت که می بایستی افراد متخصص را استخدام کند، اینکار را بر مبنای رشوه خوری و روابط و سفارش این و آن پایه ریزی کرد. افراد دور ویر مدیر عامل فاقد تخصص و صداقت لازم بودند. در ابتدا کارکنان سه ماه بکار گرفته می شدند. بعد از سه ماه اگر مورد قبول مدیر عامل قرار می گرفتند، استخدام می شدند.

از سال ۷۴ تا ۷۶ از مدیریت بخشهای مختلف تا کارگران هر کس می آمد استخدام می شد. از سال ۷۶ به بعد نیروها قرار دادی استخدام شدند. همگی بیمه بودیم. در ابتدا ۳۰۰ نفر در خط تولید بودیم. و از اذر ماه ۷۹ بحران شرکت شروع شد. خود مدیریت داخلی حقوق ها را دیرمی پرداخت. در دوران اول خاتمی کارگران کارخانه ۷۰ - ۸۰ نفر بیشتر نبودند ولی با اضافه شدن بخش سرسوزن مونتاژ و بسته بندی تعدادمان زیاد شد. در ابتدا سر سوزن های بسته بندی شده دندانپزشکی و مخصوص انسولین را از کره و ژاپن و گاهی هم از آذربایجان وارد می کردند که به طول ۲ متر و عرض ۳۰ سانتی متر. و ما فقط تراش سوزنها را به وسیله دستگاه انجام می دادیم. مدیریت اصلی کارخانه فردی بنام امیری بود و در اسپانیا زندگی می کند و هر از گاهی به ایران می آید. در ابتدای راه اندازی

شرکت ، مدیریت داخلی و بعضی از کارکنان برای دوره ای کوتاه به اسپانیا رفتند. تا با کارکرد دستگاه ها آشنا شوند. قبل از سال ۷۹ مدیریت اصلی به ایران آمد و کار خود را گسترش داد. قسمت بسته بندی به بخش ما اضافه شد. برای گسترش سرمایه مجبور شد از چندین بانک وام بگیرد.

از سال ۷۹ تا ۸۴ يك بار يك ميليارد و دوست ميليون و يك بار ديگر شش صد ميليون تومان وام گرفتند. در همین دوران جنتی عضو شورای نگهبان این نوع سوزن ها را وارد کرد و بهتر و ارزان تر در دسترس داروخانه ها و دارو پخش ها قرار گرفت. در نتیجه ۱۸ شرکت که ما به آنها سر سوزن می دادیم همگی تعطیل شدند و کارگزارانش بیکار شدند.

با ورود اینها دولت هم هیچ حمایتی از این شرکت نکرد و این ضربه نهایی بود به شرکت. چهار سال اول دوره خاتمی اوضاع کمی بهتر بود ولی از دور دوم کارخانه ما مثل اکثر کارخانه ها بخصوص صنعت نساجی همه خوابیدند. بحران که شروع شد مدیر عامل آمد و برای کارکنان صحبت کرد که دولت کنترل روی مرز ها ندارد و قیمت کالا های خارجی و بی رویه بودن اینها در بازار دست به هم داد و خط تولید دچار بحران شده است .

شرکت با ۳۰۰ نفر استخدامی و ۲۰۰ نفر قراردادی از بانک برای هر نفر وام خود اشتغالی می گیرد. ۳ میلیون تومان برای هر کارگر. با هماهنگی و زد و بند با تامین اجتماعی و اداره کار هر کارگری که استخدام میشد می توانستند وام بگیرند که وام ها همه به جیب کار فرما می رفت . تامین اجتماعی و اداره کار با هم زد و بند داشتند.

مدیر عامل و مدیریت داخلی با هم در گیری داشتند. سرپرست های مونتاژ و سرپرست های جز اینها يك مجموعه بودند برای پخش مواد و تریاک در کارخانه. محیط کثیفی را در کارخانه بوجود آورده بودند. کارگران را آلوده می کردند و با هم زد و بند داشتند.

بعد از سال ۷۹ تحلیل نیروها شروع شد. و دیدند که نمی توانند جوابگوی دو شیفت باشند. و بعضی ها را اخراج کردند و شرکت يك شیفتی شد. در سالهای اول نهار و شام می دادند. که اینها همه بعدا منتفی شد.

از تیر ماه ۸۴ به بعد شرکت يك ماهه با کارگران جدید قرار داد می بست. و این خلاف قانون کار بود. برطبق اداره کار حداقل سه ماهه باید قرار داد بسته شود. و باز از مهر ۸۴ از همین يك ماهی ها ۴۵ نفر را اخراج کردند.

از فروردین ۸۵ به بعد يك سری دیگر اخراج شدند و فعلا شرکت با ۸۰ نفر رسمی و ۴۰ نفر قراردادی کار می کند.

از زمانی که شرکت نتوانست وام هایش را بپردازد ، هر دو سه ماه حقوق کارگران را پرداخت کردند. در واقع با عدم پرداخت حقوق ما پول و سود ماهانه بانک ها پرداخت می شد..

بعد از مدتی شرکت مجبور شد برای سرپا نگه داشتن خود و پرداخت بهره وامهای بانک و حقوق کارگران پول نزول کند. مدیر شرکت نه می توانست پولهای گرفته از بانک را بدهد و نه پول نزول خوران و نه حقوق ما را و نه

اینکه می توانست مواد اولیه را تامین کند. در حال حاضر مدیریت متواری شده و نزول خوران شکایت کردند و آمدند و همه دستگاهها توقیف کردند. شرکت در جهت ورشکستگی کامل پیش رفت. مدتی شورش و اعتصاب کردیم. دستمان به جایی بند نشد. کسی از ما حمایت نکرد و حتی صدایمان به جایی نرسید.

### حقوق ماهیانه شما چقدر بود؟

در سال ۷۴ ماهی ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان. و آخرین حقوقمان ۱۵۰ هزار تومان. در حال حاضر ماه چهار ماه از سال قبل و ۴ ماه از سال جدید حقوق نگرفتیم عیدی و حقوق فروردین و اریبهشت و خرداد.

### شما مگر بیمه بی کاری نمی گیرید؟

معمولا بیمه بی کاری هر دو ماه یک بار می دهند. به علت اختلاف کمیون کارگری و تامین اجتماعی که با هم تضاد دارند کار ما مانده و پولی در کار نیست. و مدیریت جدید گفته که دستگاه ها باید باز سازی شوند. و فعلا همگی بی کار شدیم. در مجموع علت این ورشکستگی عدم کیفیت لازم محصول و باز گشت آن محصول از یک طرف، عدم پاسخ دهی به بهره بانکی و دادن سود به نزول خوران و عدم حمایت دولت از تولید کالا های داخلی بود. همه این بحران ها را نمی توانستند پاسخگو باشند. از این رو فشار روی ما کارگران هر روز بیشتر و بیشتر شد. بطوری که این اواخر ما در سال فقط ۲ ماه حقوق می گرفتیم.

### چرا اعتراض نمی کنید؟

کردیم. ولی به جایی نرسید. مگر کارگران شرکت واحد اعتراض و اعتصاب نکردند؟ همه را گرفتند با خانواده. اینجوری نمی شود زود سر کوب می کنند.

### بلاخره باید کاری کرد؟

محیط ترس و وحشت بوجود آوردند. سریع همه چیز را در نطفه خفه می کنند.

وقت خدا حافظی بود به گرمی دستش را فشردم و گفتم تو اگر بنشینی ، من اگر بنشینم ، چه کسی بر خیزد؟  
تو اگر بر خیزی ، من اگر بر خیزم، همه بر می خیزند. خندید و با گرمی بیشتری از هم خدا حافظی کردیم.

### الهام شریفی

نشریه بذر شماره ۱۳ آبان ۱۳۸۵